

# حکایت نا تمام مجمع هیات فوتبال استان

پنلوب همسر اولین و مادر تلماک بود که شوهرش بعد از آن که در محاصره شهر تروا فتوحات زیادی نمایان کرد بیست سال سرگردان بود و در این مدت خواستگاران متعدد به سراغ او آمدند و او را به همسری طلبیدند. وی همه را رد کرد و ایشان جواب داد که هر وقت بافتن پارچه ای که در دست دارم تمام شود یکی از آنها را انتخاب خواهم کرد و این کار هرگز خاتمه نیافت زیرا پنلوب هرچه را که روز می بافت شب همه را پنبه می کرد. داستان اولین و پنلوب از زیباترین قسمت های اساطیر یونانی است و افسانه پارچه پنلوب ضرب المثل شده است.

برگزاری مجمع هیات فوتبال استان اردبیل پارچه پنلوب نشود. شش سال است که برای این هیات مجمع برگزار نشده است. هرچه منتقدین گفته اند و هر آنچه دست اندرکاران ورزش خواسته اند به توسط فدراسیون نشین ها و امور استان های آن رد شده است. این بار نیز ترس از آن است که بافته های حاصل از سفر رئیس فدراسیون و تلاش های اداره کل همچنان توسط امور استان های فدراسیون پنبه شود.

آنچه که در حال حاضر ضروری به نظر می رسد این است که مسؤلان فدراسیون و بخصوص رئیس آن بعد از گذشت شش سال قاطعانه وارد عمل شوند و با تفهیم و تعریف وظایف هر کسی سلسه مراتب را به همه گوشزد کنند و جلو زورگویی و بی قانونی و سیاهو سالاری را بگیرند و ثابت کنند دوران ملوک الطوائفی سپری شده است. برخی از آقایان چنین تصور نکنند که در قرون وسطی به سر می بریم و تا زمانی که بخواهند می توانند با حضور در فدراسیون و مسؤولیت داشتن در بخشی از آن همچنان مانع از برگزاری مجمع بشوند و وعده بدهند که اگر خواست آنها تامین نشود و تا ده سال دیگر نیز فوتبال اردبیل را پا در هوا نگاه دارند.

حتما تاج در سفر به اردبیل به گوشه ای از رفتارهای جانبدارانه همکارانش در فدراسیون نسبت به فوتبال اردبیل پی بردند و فهمیدند که آقایان برای چه منظوری فوتبال اردبیل را سرگردان کرده اند و این بار وظیفه ای بس سنگین بر عهده دارد که با سر و سامان دادن به فوتبال منطقه و برگزاری بی حرف و حدیث مجمع هیات استان آقایان خودمحور و خود بزرگ بین را به وظایفشان آشنا سازد و همکاران خود در فدراسیون را از حمایت های معنی دار و هدف دار از برخی از هیات

های استانی برای همیشه منع نماید.